

شیخ جعفر؛ شاخه‌ای از شجره طوبی

نگاهی به سبک زندگی، ویژگی اخلاقی و رفتاری مرحوم شیخ جعفر مجتهدی تبریزی که عشق و شور بدگی اش به اهل بیت (ع) مثال زدنی بود

ZENDEGI-SALAM

ضمیمہ روزنامہ خراسان

شنبه • ۲۷ دی ۱۳۹۹
۲ جمادی الثاني ۱۴۴۲ • ۱۶ رانوبه ۲۰۲۱
شماره ۲۰۵۷۶

1796

نظر بزرگان درباره حاج شیخ جعفر مجتهدی



علامه سید محمد حسین طباطبائی صاحب تفسیر شریف المیزان، درباره شخصیت حاج شیخ جعفر آقا مجتهدی می فرماید: «اجناب مجتهدی بسیار بزرگوار هستند و من در باطن با ایشان هستم، ایشان از طی الزمان هم بر خور دار هستند. طی الزمان؛ قدرت سیر در زمان های گذشته و آینده، ایضا سیر طولی و عرضی در ازمنه مذکور و سیر عرضی در زمان حال و به طور کلی سیر در مقوله زمان و به واسطه قدرت و غلبه روحی بر آن، که حضرت آقای مجتهدی به لطف حضرت مولانا این موهبت بر خور دارند.»



حاج میرزا اسماعیل دولابی از عارفان و سالکان و راسته‌ساز طریق الهی در کتاب طوبای کر بلا، مطلبی را از مرحوم مجتهدی ذکر می‌کند: «مرحوم شیخ جعفر آقا مجتهدی که در عشق به ساح مقدس امام عدالت باوران، حضرت حسین بن علی (ع) زبازن بود، وقتی در میانه‌های عمرش کسی پیدا شد که حاضر بود علم کیمیای خود را به وی ارزان داده، آن را گرفت و به ابداخت، چون کیمیای برای او کیمیا بود که ششانی از محبت الهی بیت (ع) در آن وجود داشته باشد، اومی گوید: کیمیای او را در ابداخت و به سوی گنبد حضرت سیدالشهدا (ع) عرض کردم کیمیا در مرا دوامی کند. جعفر، کیمیای محبت شما الهی بیت (ع) را می‌خواهد.»



علیرضا کاردار | روزنامه نگار

زندگی و سلوک
شیخ جعفر
مجتهدی به گونه ای
خداوند را می بیند

متمایز است. توسل ایشان به ائمه (ع) بسیار استثنایی و ممتاز بوده و در تمام مراحل زندگی شگفت انگیزش دیده شد جز فراخواندن افراد به سیر ائمه (طاهر ع) کار دیگری از ایشان سر زده نباشد. این ویژگی و فراقراری ایشان بیشتر از این نظر قابل توجه است که یک عاشق و سالک راستین الی... تا چه حد می تواند در این مسیر به تعالی برسد و رشد داشته باشد. آن چه در پرونده امروز زندگی سلام درباره زندگی این انسان وارسته نقل شد تنها بخش بسیار کوچکی از حقایق و خاطره هایی است که درباره او نقل شده است.

شیخ جعفر که بود؟

جعفر مجتهدی در یکم بهمن ۱۳۰۳ خورشیدی در خانواده‌ای متدین، مرفه و مشهور به نجابت و اصالت، در تبریز دیده به جهان گشود. پدرش حاج میرزا یوسف از دل باختگان آستان حضرت سیدالشهدا (ع) بود تا جایی که بیشتر اوقات قافله سالاری زائران کر بلا می‌علی را از تبریز به عهده می‌گرفت و هزینه زائران کم بضاعت را خود عهده‌دار می‌شد. وی دوران تحصیلات ابتدایی در تبریز بود ولی تحصیلات حوزوی را به شکل مرسوم آن نگذراند، اما به‌طور کامل به متون و ادبیات فارسی و عربی اشراف داشت. جعفر در همان خردسالی با پای پیاده راهی کر بلا شد اما در راه به جرمی نامعلوم به زندان افتاد. در زندان و پس از آزادی، برای ایشان حوادث فراوانی رخ داد که حاصل همه آن ها توسل و تمسک بیشتر به اهل بیت (ع) بود. او در سراسر انجام ۲۰ سالگی به قمر مشرف شد و در منزل وفقی بسیار ساداتی ساکن شد که مدتی به حاج‌فخر تهران، از علایق مشهور آن زمان در یکی از اتاق‌ها می‌نویسید. شیخ جعفر مجتهدی در سال‌های آخر عمر شریفش از قم به مشهد آمد و پس از چهار سال اقامت در جوار حضرت ثامن الحجج (ع) ظهر روز جمعه، ششم ماه رمضان ۱۴۱۶ قمری، برابر با ششم بهمن ۱۳۷۴ در فانی را وداع گفت.

آثار مکتوب درباره شیخ جعفر مجتهدی

کتاب «در محضر لاهوتیان» نوشته محمدعلی مجاهدی در چهار فصل به شرح حال شیخ جعفر مجتهدی می‌پردازد. نویسنده در این کتاب ابتدا کلیاتی درباره شیروسلوک و دلیل تالیف این کتاب ارائه می‌دهد و در فصل دوم، زندگی نامه این عارف اقلید را به تصویر می‌کشد که برای اهل معنا بسیار آهنگشاست. در فصل سوم کتاب شیوه سلوکی و آرای معرفتی جعفر مجتهدی بیان شده و در نهایت در فصل چهارم خاطره‌های سلوکی و کرامات این عارف بزرگوار شرح شده‌است. همچنین کتاب «الامای از ملوک» هم توسط مسید سفیدآیین در چهار جلد به چاپ رسیده است. در جلد نخست این کتاب به عنوان یک اثر مصور گوشه‌ای از کرامات و فضایل اخلاقی حاج شیخ جعفر مجتهدی تکریری را بیان می‌کند. بخشی از جلد دوم این کتاب به بیان شخصیت و ویژگی‌های این عارف بزرگواران علامه حسن‌الدوله آملی می‌پردازد. بارگاه تفکر، حسن‌خلق، جرد، انبساط، توکل، تسلیم، غیرت و حمیت، تبعیت، شرح صدر، توسل، نهجست و نشاط درونی و... از جمله سرفصل‌های جلد سوم است. در جلد چهارم هم مباحثی با عنوان‌های بارگاه توحید، واسطه در افاضه شرفیارت با ائمه و ابواب الهی (ع)، تجرد در عالم طبیعت، تجلی انوار الهی بیت (ع) و... مطرح می‌شود.



این جوان تقوا پیشه تبریز که مراحل خودسازی و مبارزه با نفس را از نوجوانی آغاز کرده بود، به نقل از کتاب «در محضر لاهوتیان» درباره خودش گفته است: «از همان سنین نوجوانی علاقه عجیبی به تزکیه نفس داشتم و شروع به تهذیب نفس و خودسازی و تقوی بردم. از هر قدر سن قیصران مترو که شریعتی حرفی درم و در آن شب از صاحب بهر ذکر حضرت باری می‌پرداختم، چون بسیار دوست داشتم به بینوایان و مستمندان کمک و زندگی آن‌ها را از فقر و تنگدستی نجات بخشم. سعی و تلاش بسیاری می‌کردم تا معمای لایحل کیمیا (علم تبدیل مواد) اهمیت به بازارش به دست من حل شود، بنابراین قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف کردم ولی به نتیجه‌ای نرسیدم اما چون این کوشش من همراه با توسلات شدید بود، روز یک ناگهان هاتف غیبی به من ندا داد: «جعفر؛ کیمیا محبت ما اهل بیت عصمت و طهارت است، اگر کیمیای واقعی می‌خواهی بساز...» این راه و این شما. با شنیدن آن ندای غیبی هدف و مسیر زندگی‌ام به کلی گردش و بر آن شدم تا به جای تحقیق جن و انس و ملک و انکساب محبت، به دنبال تسخیر همین‌جا جاوید و پاینده، یعنی محبت و دوستی امه اطهار (ع) بروم.

خصوصیات شیخ جعفر از زبان دوست قدیمی اش

محمد علی مجاهدی بعد از ۳۲ سال دوستی با مجتهدی تبریزی در کتاب ۲ جلدی «در محضر لاهوتیان» از سیر و منش ایشان گفته است



دهید به جای پیشرفت، عقب گرد می کنید. فتنم برای چه؟ گفتند به هر حال شما وقتی از دواج می کنید سر نوشت یک نفر را با سر نوشت خودتان گره می زنید. باید در تمامی مسائل، در شیرینی ها و تلخ کامی ها با هم سهیم باشید. این که شما بپایید و او ادا صبح این جان بشنید و خانم تان را در دامن تنها بگیرد و او احساس تنهایی و غربت بکند، حال او را شما اثر می گذارد و لذت سابق را از این جلاست نخواهید برد. بر سیدم پس این دوستانی که الان به این جلسات می آیند و سن و سالی رد کرده اند و بعضی هایشان نوه دارند چه؟ فرمودند علت در جازدن شان همین است. من نمی خواهم شما مثل این ها باشید. الان دارم به شما می گویم تا گرفتاری این ها برای شما پیش نیاید. ممکن است این موضوع برای آن ها که سال ها از زندگی مشترکشان می گذرد، آید السویه باشد و دیگر با هم زندگی نمی کنند و همدیگر را تحمل می کنند. می خواهم به شما بگویم همین شنید و حال جلسه را به خانه تان ببرید، غزل حاضلی که می خواهید این جا بخوانید، در خانه با خانم تان بخوانید. این تفسیر عرفانی که می خواهید این جا بخوانید، در خانه با همسر تان بخوانید. ببینید همین لذت به شما دست می دهد یا نه. خانه تان را بهشت کنید. مردم خانه را برای خودشان جهنم می کنند و بیرون از خانه را بهشت اشتباه می کنند. خانه انسان، خانه انس است. اگر بیرون از خانه ناراحتی می کشد، وقتی به خانه می آید باید احساس راحتی و آرامش کند. این زندگی است. حرف های ایشان بزرگترین پیام برای جوانان امروزی است.»



شب‌نشینی‌های بدون غیبت

آقای مجاهدی درباره آشنایی و دیدار هایش با مرحوم مجتهدی چنین می‌گوید: «ایشان منزلی نداشتند و جای خاصی مستقر نبودند. روزی هم که به رحمت خدا رفتند جز همان پیراهنی که به تن داشتند چیزی نداشتند. ارتباط من با ایشان حدود ۳۲ سال و تا زمان ارتحالشان ادامه پیدا کرد. ایشان غایب شهید، مقبول و قویون بودند. ایشان اگر پنج ساعت کنار ایشان می‌نشست، اصلاً گذشت زمان را احساس نمی‌کرد و فشار نگو حال دیگری به خود می‌گرفت. او درباره شب‌نشینی‌ها با شیخ هم می‌گوید: «زمانی که با ایشان آشنا شدم مجرد بودم و جلسات با ایشان در قم داشتیم که دوستان دیگر هم بودند. این جلسات از غروب شروع می‌شد و تا اذان صبح ادامه پیدا می‌کرد. این شب‌نشینی‌ها غالباً با توسل‌اتی همراه بود و غزایا حافظ و گنجینه اسرار عالمی، اسمانی، غزایا و حدت کنار مناماهی و عرض‌های حجت‌الاسلام نیز تبریزی را می‌خواندیم. فضای جلسات ایشان به گونه‌ای بود که

برش‌های خواندنی از کتاب «لاله‌ای از ملکوت»

کم نخواهید! آقا همیشه در باب توسلات می فرمودند: مواظب باشید هیچ وقت چیز کم از حضرت علی (ع) نخواهید که نزد کم شخصیتی نرفته‌اید. از بزرگ همیشه مطلب بزرگ بخواهید، به کوچکی خود منگرد، به کریمی و بزرگوار او بنگرید که پایان ندارد. کتاب لاله‌ای از ملکوت، جلد دوم

راز توفیق **شیخ غلامعلی کریمی** می گفتند: «یک دفعه عده‌ای خدمت ایشان می‌رسند و از ایشان می‌خواهند تا رمز موفقیت‌های خود را بیان کنند. ایشان می‌گویند: «دستیابی به تمام این توفیقات در دو کلمه خلاصه می‌شود» و به‌زبانی ساده می‌گویند که حاضران فکر می‌کنند مثلاً با گفتن آن دو کلمه، مانند آقای مجتهدی خواهند شد. پس از اصرار زیاد از جانب آنان بالاخره آقای فرماید:

«اول عمل به واجبات الهی و ترک محرّمات، دوم اجتناب از مکروهات و اهتمام در مستحبات» و الحق

که دنبای پ از این کلام به ظاهر ساده نهفته است. کتاب الهای از ملکوت، جلد دوم

دل نشکنید! جناب حاج فتحعلی تعریف کر دند: یک روز آقای دکتر ... نزد آقای مجتهدی آمده و گفت: «آقا جان یک باب مغازه دارم که آن را اجاره داده‌ام، اما ماجر چند ماهی است که از پرداخت اجاره آن خودداری کرده‌م. گوید استطاعت پر داخت مال الاجاره را ندارم، اجازه می دهید علیه او اقدام کنم؟» آقا فسقوت کر دند و حرفی نزدند. روز بعد که آقای دکتر می خواست خدمت ایشان برسد به او اجازه ورود دند، تا مدت یک هفته آقای دکتر می آمدولی آقای خانواری پذیرفتند. وقتی علت آن را از ایشان سوال کر دم، فرمودند: «ببست سال در میان هارفته و ماهی صدصحر اها بوسیم تا مبادا دل کسی را بشکنیم و به کسی آزار برسانیم، اکنون ایشان آمده است از ما جواز دل شکستن بگیرد.»